

## کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی در خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام

\* فتحیه فتحی‌زاده

\*\* بی‌بی‌سادات رضی بهابادی

\*\*\* فرشته معتمدلنگرودی

### چکیده

یکی از شاخصه‌های کلام معصومان استناد به آیات قرآن است. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌های خویش به فراخور نیاز، به آیات قرآن استناد نموده است. این گونه استنادهای قرآنی می‌تواند یکی از مهمترین منابع تفسیر قرآن به‌شمار آید. بیشترین کارکرد این روابط، در توسعه دامنه تفسیر نقلی است. این پژوهش، کارکرد تفسیری استنادهای قرآنی در خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام و فراوانی آنها را مورد مذاقه قرار داده است و در آن به‌جای محتوای کلام قرآن و خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام، بر کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی حضرت علیها السلام تأکید شده است. این بررسی بیانگر آن است که بهره‌گیری حضرت علیها السلام از آیات گاه در جهت تبیین معنا، جری و تطبیق، گسترش مفهومی و مصداقی آیات و نیز استشهاد به آیات قرآن است. در این زمینه تبیین معنا، ذکر تطبیق آیات، استشهادهای حضرت علیها السلام به قرآن و گسترش مفهومی و مصداقی آیات به ترتیب بیشترین کارکردهای تفسیری این استنادها را نشان می‌دهد.

### واژگان کلیدی

روایات تفسیری، کارکردهای تفسیری، خطبه فدکیه، تجلی قرآن در روایات.

f\_fattahizade@alzahra.ac.ir

b.razi@alzahra.ac.ir

f\_motamad\_2011@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۹

\*. استاد دانشگاه الزهرا علیها السلام.

\*\* . دانشیار دانشگاه الزهرا علیها السلام.

\*\*\* . دانشجوی دکتری دانشگاه الزهرا علیها السلام (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۳

## طرح مسئله

بینامتنی<sup>۱</sup> یکی از رویکردهای نقد ادبی معاصر است که روابط بین متون را مورد بررسی قرار می‌دهد (ر.ک: مفتاح، ۲۰۰۵: ۱۲۱) براساس این نظریه هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست، بلکه اثرش باز خوانشی از آثار پیشینیان یا معاصرانش است (مختاری و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۴؛ نیز ر.ک: گراهام، ۱۳۸۵: ۱۲۹) هدف بینامتنی روشمند کردن تعامل متن با دیگر متن‌ها است، اما باید گفت، روابط بینامتنی تنها به کشف معانی پنهان متن خلاصه نمی‌شود. با توجه به حدیث ثقلین که به اقتران قرآن و عترت تصریح دارد، پیوند ناگسستنی اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن، ضرورت رجوع به سخنان آنان را در تبیین آیات الهی به‌عنوان اصیل‌ترین مرجع در فهم معارف قرآنی به وجود می‌آورد، از این رو، کلام این بزرگواران از منابع مهم در علم تفسیر محسوب می‌شود. استنادهای قرآنی خطبه‌های حضرت زهراء علیها‌السلام، می‌تواند به‌عنوان منبع تفسیر نقلی مورد استفاده قرار گیرد و از این طریق دامنه تفسیر نقلی توسعه یابد. حضرت زهراء علیها‌السلام در طول زندگانی خویش دو خطبه مهم ایراد نموده است که در این مقاله کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شیوه عمومی مفسران تفسیرهای روایی که از قرون اولیه اسلامی تاکنون رایج بوده، نوعاً این‌گونه است که در ذیل هر آیه اگر روایتی از معصومان علیهم‌السلام وجود دارد، آن را به‌عنوان تفسیر آیه ذکر می‌کنند. درحالی‌که اگر به روابط بینامتنی که از آیات قرآن در خطبه‌ها و دعاها و سایر سخنان صادره از معصومان علیهم‌السلام صورت گرفته است، توجه شود، مشاهده می‌شود که در بسیاری از این روابط بینامتنی، تفسیری از آیات نیز صورت گرفته است. حضرت زهراء علیها‌السلام به سان سایر معصومان علیهم‌السلام در خطبه‌های خویش به آیات قرآن استشهاد نموده که به نوعی تفسیری از آن آیات را ارائه می‌دهد.

با جستجوی آیات مورد استناد حضرت زهراء علیها‌السلام در تفاسیر شیعی به‌ویژه تفاسیر مآثور، به‌بخشی از سخنان حضرت علیها‌السلام به‌همراه استنادهای قرآنی ایشان اشاره شده است، از جمله استناد حضرت زهراء علیها‌السلام درباره مسئله ارث به آیات ۵ و ۶ سوره مریم (کاشانی، ۱۳۳۶: ۵ / ۳۸۱؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۲۴؛ و نیز ر.ک: حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۸ / ۱۴۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۱۰)، آیه ۷۵ سوره انفال (حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۷۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۵ / ۳۸۱ - ۳۸۰)، آیه ۱۱ سوره نساء (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۲۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۳۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳ / ۳۴۵)، آیه ۱۶ سوره نمل (حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۷۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۹ / ۵۳۷) و آیه ۱۸۰ سوره بقره (همان: ۱ / ۱۵۹؛ همان: ۲ / ۲۳۲) همچنین حضرت علیها‌السلام در زمینه سنت الهی مرگ میان انبیا و پدرش به آیه ۱۴۴ آل عمران استناد کرده است (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۰۱ - ۴۰۰)

تنها اثری که پیرامون خطبه‌های حضرت زهراء علیها‌السلام با قرآن نگاشته شده است، مقاله «خطبه فدکیه

1. Intertextuality.

تفسیری بر آیات قرآن کریم» از معصومه ریغان که در *فصلنامه بانوان شیعه*، شماره چهار، تابستان ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله صرفاً آیاتی که به صراحت در این خطبه استفاده شده مورد بررسی قرار گرفته است و به کارکرد تفسیری این آیات اشاره‌ای نشده است، از این رو، این پژوهش بر مبنای خطبه فدک و عیادت، کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> را مورد بررسی قرار می‌دهد و درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است:

۱. انواع کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی در خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> چگونه است؟

۲. فراوانی هر یک از این کارکردها به چه میزان است؟

### گونه‌های تفسیری در خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>

روابط بینامتنی خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> با قرآن، به اشکال مختلفی می‌تواند عهده‌دار شرح آیات قرآن و بیان و مراد الهی باشد، به عبارتی، حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در بسیاری از موارد مضمون آیه را بازمی‌گشاید و با شرح و بسط آن، کارکردی تفسیری و یا بیان مصداقی خاص بدان می‌بخشد. این تشریح ممکن است در قالب‌های مختلفی باشد. در این بخش در حد توان این کارکردهای تفسیری بررسی می‌شود.

#### الف) تبیین معنا

این گونه از کارکرد تفسیری، دربردارنده سخنانی است که ناظر به تبیین مفاد آیات است. بخش عمده‌ای از خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> از این نوع است که به تبیین عبارت‌ها و آیات قرآن و رفع ابهام از آنها اختصاص دارد و به نوعی حضرت تفسیری جدید از آیه را ارائه می‌دهد. این ابهام‌زدایی و ایضاح به انحاء مختلفی صورت گرفته است:

#### ۱. تبیین تفسیری عبارات و آیات

بخش عمده‌ای از خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در مقام تفسیر عبارت‌های قرآنی است؛ یعنی حضرت مدلول الفاظ قرآن را برای تفسیر موردنظر خویش قرار داده است.

۱. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> بعد از آنکه فلسفه احکام مختلف الهی را بیان می‌کند در پایان آن به‌عنوان نتیجه‌گیری از مباحث قبل می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران / ۱۰۲) وَ «أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». (فاطر / ۲۸)

کارکرد تفسیری: در این فراز از خطبه فدک، تفسیر «حَقَّ تَقَاتِهِ» در آیه اول و تفسیر «العلماء» در آیه دوم بیان شده است. جمله «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ» عطف تفسیری برای آیه ۱۰۲ آل عمران که توسط حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> اقتباس شده، می‌باشد. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> با بیان این جمله فرموده است که منظور از

«حق تقوای الهی» این است که به دستورهای الهی عمل شود؛ آنچه که دستور به انجام آن داده شده است، عمل شود و آنچه که دستور به ترک آن داده شده است، ترک شود. در این فراز از خطبه، آیه ۲۸ فاطر به عنوان تعلیل جمله قبل آمده است و این را می‌فهماند که هر کس که به دستورهای خدا عمل کند، به عنوان عالم شناخته می‌شود، هر چند این فرد تحصیلات مکتب و مدرسه‌ای نداشته باشد و در ظاهر جزو افراد عامی باشد. به خوبی ملاحظه می‌شود که مفاد کلام حضرت تفسیر معنای «حَقُّ تَقَاتِهِ» و «العلماء» است. این برداشت، در روایتی از امام صادق علیه السلام به گونه ضمنی تبیین شده است که می‌فرماید: «منظور از علما کسانی هستند که اعمال آنها هماهنگ با سخنان آنها باشد کسی که گفتار و کردارش هماهنگ نباشد عالم نیست.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۹۴؛ و نیز: ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۳۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۶۶۷)

۲. حضرت زهرا علیها السلام در ضمن بیان اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله، به گذشته اعراب و حاضران در مسجد اشاره می‌کند و می‌فرماید:

وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ. (آل عمران / ۱۰۳)  
 مَذَقَةَ الشَّارِبِ وَ نَهْرَةَ الطَّامِعِ وَ قَبَسَةَ الْعَجَلَانِ وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ تَشْرِبُونَ الطَّرِيقَ وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ أَذِلَّةً حَاسِبِينَ «تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ». (انفال / ۲۶)  
 مِنْ حَوْلِكُمْ فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بَعَدَ اللَّيْلِ وَ اللَّيْلِ وَ بَعْدَ أَنْ مُنِّيَ بِبِهِمُ الرِّجَالِ وَ دُؤْبَانَ الْعَرَبِ وَ مَرَدَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ «كَلِمًا أَوْ قُدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَاهَا اللَّهُ». (مائده / ۶۴)

**کارکرد تفسیری:** حضرت علیها السلام در این فراز از خطبه، عبارت «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» را تفسیر نموده است. حضرت مقصود از «لبه و پرتگاه آتش» را اوضاع گذشته جزیره العرب می‌داند و آن را این گونه بیان می‌کند: «به خاطر ضعف و ناتوانی شما، هر کس از راه می‌رسید، می‌توانست شما را نابود کند، همچون جرعه‌ای برای تشنه و لقمه‌ای برای خورنده و شکار هر درنده و لگدکوب هر رونده و پایمال هر رهگذری می‌شدید. از آب گندیده و ناگوار می‌نوشیدید و از پوست جانور و مردار سد جوع می‌کردید. پست و ناچیز بودید و از هجوم همسایه و همجوار در هراس». (مجلسی، بی تا: ۸۲۹)

در ادامه خطبه، حضرت مصداق بارز عبارت «فَأَنْقَذَكُمُ مِنْهَا» از آیه ۱۰۳ آل عمران را، حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌داند. بیان این مصداق مطلبی است که در روایتی از امام صادق علیه السلام بیان شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۵؛ و نیز ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۶۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۶۷۳)

بی‌شک عبارت «فَأَنْقَذَكُمُ مِنْهَا» با توسعه مفهومی که دارد می‌تواند فاعل متعددی نظیر خدای متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و جبرئیل را شامل شود، اما حضرت روی یک فاعل که طبعاً معیار نجات عرب جاهلی است، تأکید دارد. همچنین عبارت «فَأَنْقَذَكُمُ مِنْهَا» به صورت مجمل و کلی بیان شده است و ادامه کلام حضرت تبیین آن است که می‌فرماید:

در چنین حالی خدا محمد<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را به سوی شما گسیل داشت. او پس از آن همه رنج‌ها و سختی‌ها که کشید، شما را از ذلت رهایی بخشید. رزم‌آوران ماجراجو، سرکشان درنده‌خو، جهودان دین به دنیا فروش و ترسایان دور از حق از هر سو به او تاختند و با او به مخالفت برخاستند. «چون هر زمان آتش اخگر به هیزم و هیمة فتنه افکندند، خدا آن را خاموش ساخت» و هر گاه شاخ شیطان نمایان می‌گشت و یا مشرکی دهان به یاهوگویی می‌گشود، او برادرش علی<sup>علیه السلام</sup> را در کام آن می‌افکند. علی<sup>علیه السلام</sup> هم در مقابل تا آن زمان که بر مغز و سر مخالفان نمی‌کوبید و بینی آنها را به خاک مذلت نمی‌مالید، ترک امر نمی‌نمود. (مجلسی، بی تا: ۸۲۹)

۳. حضرت<sup>علیها السلام</sup> در توصیف پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> و روش دعوت او می‌فرماید:

ثم قالت: أيها الناس! اعلّموا آني فاطمةُ و آبي مُحَمَّد، أقولُ عوداً و بَدْءاً، و لا أقولُ ما أقولُ غَلْطاً، و لا أفعلُ ما أفعلُ سَطْطاً، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ». (توبه / ۱۲۸) فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَتَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ آبي دُونَ نَسَائِكُمْ، وَآخَا ابْنِ عَمِي دُونَ رَجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمَةِ الْمَعْزِي إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَبَلِّغِ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنَّذْرَةِ، ...

**کارکرد تفسیری:** سیاق آیه ۱۲۸ سوره توبه، در هر دو متن درباره وصف عملکرد پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> در تبلیغ رسالتش است. اصل واژه «حرص» در لغت به معنای شدت علاقه به چیزی است و حریص کسی است که رغبت شدید و مفرطی که توأم با فعالیت است، داشته باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲ / ۲۲۷) مقصود از «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» این است که پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> با حرص کوشش می‌کند تا مردم ایمان بیاورند. سعی و تلاش حضرت<sup>علیها السلام</sup> در حد حرص، آن است که می‌کوشد مردم به کمال ایمانی خود برسند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۸ / ۲۹۰ - ۲۸۹) مفاد کلام حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> بعد از ذکر آیه، تبیین عبارت «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» است و آن را چنین بیان می‌کند:

پس پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> رسالت خود را ابلاغ کرد، درحالی که مردم را انداز می‌نمود، و به طریق مشرکان پشت پا زده و بر کمر آنان زده و گلوگاه آنان را گرفته است، این در حالی بود که پیامبر مردم را به وسیله حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارش دعوت می‌کرد، او بت‌ها را می‌شکست و با دست خود به سرهای مشرکان ضربه وارد می‌کرد تا اینکه شب کنار رفت و صبح آشکار شد و حق از آن موضع خالصش ظاهر شد و زعیم و رهبر دین به سخن درآمد و حنجرهای دهان آن شیطان‌ها لال گشت و جمعیت نفاق هلاک شدند و گره‌های کفر و شقاق باز شدند و همه شما به کلمه اخلاص و توحید سخن گفتید.

این تفسیر چیزی است که در کتب تفسیری یافت نمی‌شود و تفسیری است که حضرت علیه السلام در این فراز از خطبه ارائه داده است.

۴. حضرت زهراء علیها السلام در توبیخ انصار فرموده است:

وَأَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْعِزَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خَفَافًا وَأَحْسَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِبِكُمْ.

**کارکرد تفسیری:** حضرت زهراء علیها السلام جریان سقیفه را دنبال‌هرو و پاسخ به ندای شیطانی دانسته است. مضمونی که قرآن در آیه ۲۲ سوره ابراهیم در معرفی شیطان به تصویر می‌کشد. سیاق در دو متن متفاوت است. سیاق در کلام حضرت مربوط به توبیخ و سرزنش انصار است اما سیاق آیه مربوط به سخن شیطان به پیروانش در روز قیامت است.

در این فراز حضرت علیها السلام مفهوم عبارت «لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ» (اجابت دعوت شیطان) را به زیبایی در ادامه کلامش تفسیر می‌نماید و می‌فرماید:

شما سبکبار در پی او دویدید و به آسانی در دام فریبش خزیدید و او آتش انتقام را در دل‌هاتان برافروخت. آثار خشم در چهره شما نمایان گردید و سبب شد که بر غیر شتر خود داغ نهید و در غیر آبشخور خود وارد شوید (مجلسی، بی تا: ۸۳۰ - ۸۲۹)

مقصود از این جملات آن است که، شیطان برای اینکه کسی دعوتش را اجابت کند ابتدا توخالی و خفیفش می‌کند. حضرت علیها السلام نیز می‌فرماید: «شیطان وقتی دریافت شما توخالی و سبک هستید از شما درخواست کرد برخیزید و دنبالش بروید» (تهرانی، ۱۳۹۱: ۹۳) سپس شیطان به طرف غضب تحریکتان کرد و دید آدم‌های غضبناکی نسبت به امامت امام علی علیه السلام هستید (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۰۱) و از حریم خودتان تجاوز کردید و به امری دست یازیده‌اید - تعیین خلیفه - که در شأن شما نیست. این گونه است که دعوت شیطان را اجابت کردید.

۵. حضرت زهراء علیها السلام در تبیین وقایع پس از رحلت پدرش می‌فرماید:

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (آل عمران / ۸۵) ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا زَيْتًا أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتُهَا وَ يُسَلَسَ قِيَادُهَا ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُوْرُونَ وَقَدْتَهَا وَ تَهْجُونَ جَمْرَتَهَا وَ تَسْتَجِيبُونَ لَهْتَاْفِ الشَّيْطَانِ الْعَوِي وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصِّفِيِّ.

**کارکرد تفسیری:** سیاق آیه فوق، تأکید و تحفظ دین اسلام به عنوان نقطه محوری همه ادیان الهی است و پذیرش غیر اسلام را باطل و بی‌اثر برمی‌شمارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۴ / ۷۲۹) حضرت علیها السلام از این سیاق

جهت تبیین تصدی ناحق اهل سقیفه نسبت به منصب امامت استفاده نموده و عمل آنان را عین خروج از اسلام و گردن نهادن به دینی غیر از اسلام دانسته است (حسینی زنجانی، ۱۳۹۰: ۵۳۱) هدف حضرت از بیان این آیه در کلامش تفسیر مفهوم جدید از آن بوده؛ یعنی ایشان آیه را آورده و در ادامه تفسیری هم‌سو با هدف و سیاق کلامش ارائه نموده است؛ بدین‌گونه که مفهوم آیه را با عبارت «إِطْفَاءُ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّيْفِيِّ» تفسیر می‌کند؛ زیرا خاموش کردن انوار دین و از بین بردن سنت‌های نبوی مستلزم پذیرش دینی غیر از اسلام است. در حقیقت، حذف امامت امام علی<sup>علیه السلام</sup> دینی غیر از اسلام طلبیدن است. این تفسیر در روایتی از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> نیز اشاره شده است. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵ / ۲۹۱؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۷ / ۲۸۳)

۶. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در خطبه عبادت درباره پندار باطل اهل سقیفه فرموده است:

اسْتَبَدُّوْا وَ اللّٰهُ الذَّنَائِي بِالْقَوَادِمِ وَ الْعَجْزُ بِالْكَاهِلِ فَرَعْمًا لِمَعَاظِسِ قَوْمٍ «يَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ يُحْسِنُوْنَ صُنْعًا». (کهف / ۱۰۴)

**کارکرد تفسیری:** سیاق آیه درباره مشرکان است که می‌پنداشتند در عمل خود راه یافته‌اند. حضرت<sup>علیها السلام</sup> این آیه را درباره قوم خویش استفاده می‌کند که تصور می‌کردند در تعیین خلیفه عمل خوبی را انجام دادند. حضرت<sup>علیها السلام</sup> با عبارت «اسْتَبَدُّوْا وَ اللّٰهُ الذَّنَائِي بِالْقَوَادِمِ وَ الْعَجْزُ بِالْكَاهِلِ» مقصود از آیه «يَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ يُحْسِنُوْنَ صُنْعًا» را بیان می‌کند؛ یعنی مقصود از پندار باطلشان راه، انتخاب ناسزا در رهبری و رها ساختن سزاوار دانسته است. (ر.ک: قزوینی، ۱۳۸۶: ۵۹۸)

## ۲. تمسک به تقیید آیه

گاه برخی از آیات قرآن به صورت مطلق بیان شده‌اند و روایات معصومان<sup>علیهم السلام</sup> به آنها قید می‌زنند. در میان خطبه‌های بررسی شده از حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، موارد معدودی به این نوع کارکرد تفسیری اختصاص دارد. حضرت<sup>علیها السلام</sup> درباره پیمان‌شکنی انصار فرموده است:

فَأَنِّي حُزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَأَسْرَرْتُكُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَضْتُكُمْ بَعْدَ الْإِقْتْلَامِ وَ أَشْرَكْتُكُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُؤْسًا لِقَوْمٍ «نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ» مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ «وَهُمْوَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ اتَّخَشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (توبه / ۱۳)

**کارکرد تفسیری:** خطاب در کلام حضرت<sup>علیها السلام</sup> به انصار است اما خطاب آیه به مشرکان مکه است که می‌خواستند رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را از میان خود اخراج کنند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۱۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۲۵) سیاق کلام حضرت<sup>علیها السلام</sup> درباره خارج کردن امام علی<sup>علیه السلام</sup> از صحنه امامت است. مقصود

ایشان این بوده که علی علیه السلام را از خلافت دور کردن در حقیقت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از صحنه خارج کردن است (تهرانی، ۱۳۹۱: ۱۳۶) زیرا پیغمبر صلی الله علیه و آله او را از ناحیه خدا برای خلافت معرفی داشته بود.

حضرت علیه السلام قید «مَنْ بَعْدَ عَهْدِهِمْ» را برای «نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ» قائل شده است، به این معنا که خیانت اهل سقیفه بعد از عهد بستن با پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است. همچنین در این فراز از خطبه، حضرت پیمان شکنی انصار را این گونه تفسیر می کند: «اکنون پس از آن همه زبان آوری چرا دم فرو بستید؟ و حقایق را پس از آشکار شدن مکتوم می دارید؟ آن هم برابر مردمی که پیمان خود را شکستند؟ و پس از قبول ایمان راه شرک پیشه کردند». (مجلسی، بی تا: ۸۳۲)

از منظر دیگر، به نظر می رسد حضرت مسئله خیانت مشرکان را بر جریان سقیفه تطبیق می دهد و خیانت اهل سقیفه را نظیر همان خیانت مشرکان می داند.

### ۳. تبیین مجملات

«المجمل هوما كان غير ظاهر الدلالة على المقصود» (معارف، بی تا: ۲۲۴؛ و نیز ر.ک: مدیر شانه چی، ۱۳۸۸: ۱۰۴) در مقابل مجمل، مبین است. «المبین و هوما اتضحت دلالتها و ظهرت» (همان) وضوح سخن، با قوانین حاکم بر محاوره های عرفی افرادی که با زبان واحدی سخن می گویند، تناسب دارد؛ زیرا در این حالت است که تفاهم، حاصل شده و افراد آن زبان با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند، بنابراین بهترین تعریف مجمل عبارت از لفظی است که معنای آن واضح و روشن نیست. لفظی که مطابق قوانین قابل استعمال نزد اهل یک زبان شأن آن وضوح و عدم ابهام است. (همان) تبیین آیات مجمل به وسیله قرآن و سنت و روایات صورت می گیرد. حضرت زهرا علیها السلام در کلامش گاه آیه ای یا عبارتی را مجمل ذکر می کند و در ادامه با ذکر آیه ای دیگر و یا کلامش اجمالش را تبیین می کند.

۱. حضرت علیها السلام در مقام تهدید به اهل سقیفه فرموده است: «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»، «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ».

کارکرد تفسیری: عبارت «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» اقتباس از آیه ۶۷ سوره انعام است که تهدید صریحی از وقوع عذابی حتمی در دنیا و آخرت برای مشرکان است (طوسی، بی تا: ۴ / ۱۶۴؛ و نیز ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۱۳۹) کلام حضرت علیها السلام نیز در مظان تهدید به عاملان سقیفه است اما این تهدید به صورت مجمل است و حضرت آیه «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ» (هود / ۳۹) را به کلامش منضم ساخته و اجمال آیه قبل را تبیین نموده است. این آیه درباره قوم نوح است که به عذاب دنیوی و اخروی دچار شدند. حضرت علیها السلام اهل سقیفه را به قوم نوح تشبیه نموده همان گونه که قوم نوح گرفتار عذاب دنیوی و اخروی شدند، آنان نیز افزون بر عذاب الهی که روز قیامت گرفتارش می شوند، در دنیا نیز ذلت



خواهند داشت. بدین ترتیب آیه دوم تفصیلی برای اجمال آیه نخست است.

۲. حضرت<sup>علیها السلام</sup> در توییح به حاضران در مسجد فرموده است:

فَالْتَفَتْتُ فَاطِمَةَ<sup>علیها السلام</sup> إِلَى النَّاسِ وَقَالَتْ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ  
الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد / ۲۴) كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ  
مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ وَ سَاءَ مَا بِهِ أَسْرُتُمْ وَ شَرَّ مَا مِنْهُ  
اغْتَصَبْتُمْ.

**کارکرد تفسیری:** حضرت<sup>علیها السلام</sup> مضمون «مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» را از «مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» اخذ کرده و مفهوم التزامی آیه را در نظر داشته است؛ یعنی الفاظ متن قرآن بر چیزی خارج از معنای انجام اعمال زشت دلالت دارد<sup>۱</sup> و بدین صورت بین سخنش و متن قرآن خوانشی آگاهانه و عمیق برقرار ساخته است. کارکرد تفسیری این دلالت آن است که حضرت<sup>علیها السلام</sup> عبارت «مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» به معنای آنچه به دست می‌آوردید، که در آیه به صورت مجمل و کلی آمده با عبارت «مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» به معنای آنچه که از اعمال زشت و سوء انجام می‌دادید، تبیین کرده است.

افزون بر این، عبارت «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» اقتباسی از آیه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین / ۱۴) است که با اندکی تغییر در ساختار آیه در خطبه آمده است. با توجه به فضای صدور این فراز از خطبه فدک که بعد از بیان سخنان ابوبکر و اعتراض حضرت به سکوت مردم است (تهرانی، ۱۳۹۱: ۱۷۴) حضرت با بهره‌گیری از استناد قرآنی، علت باطل‌گرایی مردم را عدم تدبر در قرآن و یا بی‌توجهی به قرآن در اثر قفل خوردن بر قلوبشان دانسته است و با مستندسازی کلامش به قرآن قصد دارد مردم در اعمال شان تجدید نظر کنند و میان دوگانگی صدق و کذب حاکم بر جامعه، حقیقت را تشخیص دهند.

#### ب) استشهاد به آیات قرآن

در پاره‌ای از فرازهای خطبه فدک، حضرت<sup>علیها السلام</sup> موضوعی را بیان و آیه قرآن را به‌عنوان شاهد دیدگاه خود ذکر نموده است؛ یعنی، مطلبی بیان شده و برای قانع ساختن مخاطب و یا تعلیم چگونگی استفاده از قرآن در احتجاج، مستند قرآنی آن مطلب بازگو شده است (غلامی، ۱۳۹۲: ۷۷) بیشتر سخنان حضرت<sup>علیها السلام</sup> در استشهاد

۱. دلالت التزامی عبارت است از دلالت لفظ بر چیزی که خارج از معنای موضوع له قرار دارد، ولی در ذهن با آن ملازم است؛ به عبارت دیگر دلالت التزامی، دلالت لفظ بر خارج معنای موضوع له که تصور معنای موضوع له با تصور آن معنا نوعی تلازم دارد، است (سعیدی روشن، ۱۳۸۸: ۱۸۶) علامه مظفر برای دلالت التزامی دو شرط را ذکر کرده است: ۱. تلازم میان لفظ و معنا، باید تلازم ذهنی باشد و تلازم خارجی بدون رسوخ در ذهن کفایت نمی‌کند. ۲. تلازم به صورت لزوم بین بالمعنی الأخص باشد؛ یعنی به محض تصور لفظ، معنا نیز بدون قرار دادن واسطه دیگری به ذهن آید. (ر.ک: مظفر، ۱۳۷۰: ۱ / ۱۲۱)

به قرآن، مربوط به مسائل اعتقادی است تا در برخورد با غاصبان خلافت بتواند آنان را اقناع سازد:

۱. حضرت ﷺ درباره سنت الهی مرگ انبیا و پدرش فرموده است:

أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ ﷺ فَخَطَبٌ جَلِيلٌ... حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ سَيِّئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (آل عمران / ۱۴۴)

**کارکرد تفسیری:** سیاق و فضای حاکم بر هر دو متن یکسان است. مقصود آن است مرگ سنت خداست؛ یعنی همه بندگان خدا، اعم از پیامبر و غیرپیامبر، باید شربت مرگ را بنوشند. پایه استدلال حضرت به این آیه چنین بود که مرگ حضرت محمد ﷺ مسئله عجیبی نیست، بلکه در این مطلب سنت الهی جاری گردیده است؛ اما معنای این سخن چنین نیست که اگر رسول خدا ﷺ از دنیا رفت، شریعت و دین او نیز باید از بین برود و شرافت و حرمتش هتک گردد (ر.ک: قزوینی، ۱۳۸۶: ۵۲۵ - ۵۲۴) در حقیقت حضرت واپس‌گرایی و ارجاع به گذشته را با مرگ پدرش ممنوع می‌داند.

در این فراز از خطبه حضرت ﷺ آیه ۱۴۴ سوره آل عمران را به‌عنوان دلیل سخن خویش در مرگ پدرش می‌آورد تا کلامش با مستند قرآنی مخاطبان را قانع سازد.

۲. حضرت ﷺ درباره عاقبت غصب فدک فرموده است: «فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ» (وَسِعَلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ). (شعراء / ۲۲۷)

**کارکرد تفسیری:** متن قرآنی با توجه به سیاق سوره در مقام تهدید مشرکان است که با اشعار و سخنان خود مسلمانان را مورد اذیت قرار می‌دادند (ر.ک: ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۹ / ۳۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۳۲) با توجه به فضای صدور خطبه، کلام حضرت نیز در مظان تهدید به غاصبان خلافت و فدک است و در این فراز از خطبه آنان را «ظالم» می‌نامد. آیه ۲۲۷ سوره شعراء عطف بر عبارت «فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ» است تا دلیلش را معین کند، یعنی ستمکاران به‌زودی می‌دانند چه عاقبتی دارند؛ زیرا خدا همه اعمال آنان را می‌بیند و هیچ چیز از او مخفی نیست و اعمال شما (اهل سقیفه) در محضر او انجام می‌پذیرد (قزوینی، ۱۳۸۶: ۵۳۹) بنابراین حضرت با استشهاد به آیه فوق دلیل محکم و بدیعی را برای کلامش می‌آورد.

۳. حضرت زهرا ﷺ درباره دلیل رویگردانی اهل سقیفه از حکم خدا در مسئله فدک فرموده است: «كَلَّا (بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ». (یوسف / ۱۸)

**کارکرد تفسیری:** متن قرآن رد صریح حضرت یعقوب ﷺ در برابر سخن دروغین برادران یوسف است. حضرت ﷺ به‌مثابه قرآن عمل سقیفه را نظیر برادران یوسف دانسته، همان‌طور که غالب شدن هواهای نفسانی‌شان باعث شد یوسف را به چاه بیندازند، اهل سقیفه نیز به‌دلیل گرفتار شدن به تسویل، نفسشان ظلم

را عدل و باطل را حق جلوه داد. با توجه به سیاق خطبه فدک، به نظر می‌رسد حضرت<sup>علیها السلام</sup> آیه فوق را به‌عنوان دلیل رویگردانی خلیفه و غاصبان از حکم خدا درباره ارث حضرت و امامت علی<sup>علیه السلام</sup> آورده است. همچنین از منظر دیگر حضرت با تطبیق دادن اهل سقیفه با داستان برادران یوسف یکی از مصادیق پنهان آیه را آشکار کرده؛ زیرا این مصداق و رای مصداق ظاهر آنکه خبر از ماهیت برادران یوسف است، می‌باشد.

### ج) گسترش مصداقی و مفهومی آیات

یکی از کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، گسترش موضوعاتی است که در قرآن به‌کار رفته است؛ بدین معنا که کاربرد عرفی و لغوی آن در محدوده‌ای از معنا و موضوع است و در کارکرد تفسیری آن فراتر و یا فروتر از عرف و لغت است (فاکر میدی، ۱۳۹۳: ۳۱۸ - ۳۱۷) بر این اساس حضرت<sup>علیها السلام</sup> نه تنها به شرح عبارت‌ها و آیات قرآن اهتمام داشته، بلکه در مواردی نیز به گسترش مفهومی و مصداقی آیات توجه داشته است:

#### ۱. توسعه در مفهوم فتنه

حضرت<sup>علیها السلام</sup> در بیان عملکرد اهل سقیفه می‌فرماید:

هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْكَلْمُ رَحِيبٌ وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ ابْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ  
«أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ». (توبه / ۴۹)

**کارکرد تفسیری:** سیاق هر دو متن درباره عذر اجتناب از فتنه است، اما متن قرآن درباره عذر اجتناب یکی از منافقان در عدم حضورش در جنگ است. کلام حضرت نیز عمل اهل سقیفه در مسئله جانشینی بعد از پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را مصداق عذر اجتناب از فتنه می‌داند و بیان می‌دارد «سردمداران سقیفه مصداق کفر بوده‌اند و هنگامی که مرتکب این اعمال شدند مؤمن نبودند» (تهرانی، ۱۳۹۱: ۹۶) «فتنه» در لغت به‌معنای اختیار و آزمایش است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۳۱۷) مقصود از فتنه شرک، کفر و گناه است؛ زیرا سبب عذاب هستند و «ال» در «الفتنه»، ال جنس است؛ یعنی در فتنه عظیمی سقوط کردند. (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۰ / ۱۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۵۸)

به‌خوبی ملاحظه می‌شود که مفاد کلام حضرت گسترش مفهوم فتنه است، به‌نحوی که شامل هر ظلم و ناحقی و جز آن می‌شود، چیزی که نه در لغت عرب یافت می‌شود و نه در تفاسیر. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۱۲۸ - ۱۲۷؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۶۵)

#### ۲. توسعه در مصداق کفر

حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> درباره علت سکوت و عقب‌نشینی انصار فرموده است:

أَلَا وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْحَفِيفِ ... وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ فَا «إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنِي لَعْنًا حَمِيدًا». (ابراهیم / ۸)

**کارکرد تفسیری:** سیاق آیه فوق درباره سخن حضرت موسی علیه السلام به قومش، بنی اسرائیل است، ولی فضای صدور کلام حضرت درباره موانع قیام انصار و علت کفرپیشگی آنان است. مقصود حضرت آن است که اهل سقیفه غیر از خودشان به کس دیگر زبان نمی‌رسانند و جز دینشان، چیز دیگری را از دست نخواهند داد. (قزوینی، ۱۳۸۶: ۵۳۶)

معنای لغوی «کفر»، پوشاندن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۴) حضرت علیه السلام، با جداسازی مفهوم آیه از جزئیات مورد نزولش و توجه به تشابه میان اهل سقیفه با مورد نزول آیه، مصداق واژه «کفر» را گسترش داده؛ زیرا در جریان سقیفه، اهل سقیفه نعمت امامت را پوشاندند و به انکار ولایت مبادرت نمودند. بدین ترتیب، حضرت علیه السلام مصداقی از کفر را بیان کرده و با این سخنش تفسیری جدید و به نوعی تحلیلی از اوضاع جامعه آن روز مدینه را ارائه داده است.

### ۳. توسعه در مصداق افساد

حضرت زهراء علیها السلام در خطبه عیادت، خطاب به زنان مهاجر و انصار درباره عمل سران سقیفه به این آیه استشهدا نموده است: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ». (بقره / ۱۲)

**کارکرد تفسیری:** مفاد آیه فوق درباره منافقان است که خود را مصلح معرفی نمودند، اما خدای سبحان از دروغ‌شان پرده برمی‌دارد و آنان را «مُفْسِد» می‌نامد. فساد در لغت به معنای ایجاد خلل در نظم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶) تبلیغ سوء، توطئه علیه نظام اسلامی، اِلْقَا شِبْهَةٍ در صحت دَعْوَى وَحَى و نبوت و صحیح بودن دعوت به مبدأ و معاد و مانند آن، از مصادیق بارز افساد در زمین و زمینه زندگی اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲ / ۲۷۱) حضرت علیه السلام با توجه به نفاق سردمداران سقیفه و تشابه وضعیت آنان به آیه فوق، بدان استناد می‌نماید و زنان مهاجر و انصار را آگاه می‌سازد.

با توجه به سیاق کلام حضرت علیه السلام که این آیه در آن آمده است به نظر می‌آید حضرت مصداق افساد را گسترش داده است و آن را به زمامدار و زعیم فاسق نیز سرایت داده؛ زیرا زمامدار فاسقی که شایستگی رهبری جامعه را ندارد، مخل نظم در جامعه است.

### د) جری و تطبیق آیات (تعیین مصداق)

جری در لغت به معنای جاری شدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۷۴) و در اصطلاح عبارت است از «انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه که آیات درباره آنها نازل شده است» (شاکر، ۱۳۸۱: ۱۴۷) اصطلاح «جری» برگرفته از روایات معصومان علیهم السلام است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۰) و به ویژگی جهانی و

جاودانه بودن قرآن اشاره دارد، کتابی که در غایب همانند حاضر جاری است و بر گذشته و آینده همانند حال منطبق می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۱۶۷) بررسی تفصیلی بحث جری و تطبیق نخستین بار توسط علامه طباطبایی در تفسیر المیزان صورت گرفته است. وی در این باره می‌نویسد: «قرآن از حیث انطباق معارف و آیاتش بر مصادیق، دامنه‌ای گسترده دارد، پس هیچ آیه‌ای از قرآن اختصاص به مورد نزولش ندارد، بلکه هرگاه امری با مورد نزولش متحد باشد و همان ملاک را داشته باشد، بر آن نیز جاری می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۶۷؛ و نیز ر.ک: همان: ۱ / ۴۲) شیوه اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> چنین است که آیات را بر آنچه قابل تطبیق باشد، منطبق می‌کنند گرچه از مورد نزول آنها خارج باشد. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در ضمن تفسیر آیات در خطبه‌های خویش درصدد بیان جری و تطبیق آیات نیز بوده و در مواردی مصادیق آنها را به‌طور ضمنی بیان می‌کند. کشف و تعیین این مصادیق، به‌واسطه در نظر گرفتن سیاق آیات اقتباس شده و خطبه‌ها، صورت می‌گیرد. بر این اساس، در خطبه‌های حضرت<sup>علیها السلام</sup> توجه به سیاق به تعیین مصادیق کمک می‌کند (ر.ک: قائمی نیا، ۱۳۸۹: ۳۳۴) در این بخش به بررسی انواع این مصادیق می‌پردازیم.

### ۱. مصداق بارز

در مواردی استنادهای قرآنی خطبه‌های حضرت<sup>علیها السلام</sup> به بیان مصداق بارز آیه اشاره دارد که نوعی تنگ نمودن دایره معنایی را در پی دارد. توضیح آنکه، عبارت‌های قرآن به‌حسب ظاهر فراگیر و از دایره وسیع معنایی برخوردار است، اما تبیین حضرت موجب می‌شود تا ذهن مخاطب به سمت برخی از مصادیق خاص متوجه شود که از آن به مصداق بارز تعبیر می‌شود.

۱. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> عاقبت سقیفه را این‌گونه ترسیم نموده است: «لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَةً ثَقِيلًا ... (وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ)». (غافر / ۷۸)

**کارکرد تفسیری:** آیه فوق، مخالفان انبیاء را باطل‌پیشه و خسران‌زده می‌داند. بی‌شک این آیه با توسعه مفهومی که دارد مطلق باطل‌پیشگان و خسران‌زدگان را شامل می‌شود اما کلام حضرت<sup>علیها السلام</sup> روی یک نوع باطل‌پیشگان که طبعاً معیارش مخالفت با حق است، تأکید دارد؛ یعنی حضرت<sup>علیها السلام</sup> دایره این باطل‌پیشگان را تنگ ساخته و مصداق معینی را ذکر کرده است، چنان‌که ایشان غاصبان خلافت را زیانکار و پیروان باطل دانسته است.

۲. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در مقام تهدید و هشدار به اهل سقیفه فرموده است:

فَدُونَكهَا مَخْطُومَةٌ مَرْخُولَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ فَنَعَمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ وَالرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ وَ  
عِنْدَ السَّاعَةِ «يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ» (جاثیه / ۲۷) وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ.

**کارکرد تفسیری:** سیاق متن قرآن درباره منکران معاد است که در عرصه قیامت زیانکار می‌شوند

(ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۱۷۷) اما سیاق مقامی<sup>۱</sup> کلام حضرت ﷺ، تهدید نسبت به اصحاب سقیفه است؛ یعنی عبارت «يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ» با توجه به شرایط اجتماعی مرتبط با خطبه، معنای خاصی یافته و هدف از بیان عبارت «يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ» تفسیر جدید از آن است، بدین گونه که حضرت ﷺ اهل سقیفه را مصداق بارز «مبطلون» دانسته که حق امامت امام علی ﷺ را باطل ساختند. حضرت ضمن بیان مصداق بارز آیه به تفسیر آن نیز پرداخته است و خسارت اهل سقیفه را با عبارت «وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَتَدَمُّونَ» تفسیر و تبیین می‌نماید؛ یعنی این خسارت را اظهار پشیمانی می‌داند که سودی برایشان ندارد.

۳. حضرت زهرا ﷺ در خطبه عیادت که در جمع زنان مهاجر و انصار ایراد نمود، در تویخ مردانشان فرموده است:

قَالَتْ أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَا كُنْ قَالِيَةً لِرِجَالِكُنْ ... وَبِئْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ». (مائده / ۸۰)

**کارکرد تفسیری:** آیه فوق درباره منافقان یهود است (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۳ / ۶۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۵۸) اما تطبیق آیه بر منافقان یهود، سبب حصر آن نمی‌شود بلکه نفاق حالتی است که تنها به عصر نزول اختصاص ندارد، از این رو مردم هر دوره‌ای نسبت به دین آن روزگار و وحی و نبوت از حالت نفاق بیرون نیستند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳ / ۴۱۴) بنابراین قرائت آیه فوق در این خطبه به دلیل مناسبت و تشابه روحیه مسلمانان آن روز مدینه با اهل کتاب است.

حضرت با تلاوت بخشی از آیه ۸۰ سوره مائده غاصبان خلافت را از مصادیق بارز آیه می‌داند. این استناد قرآنی حضرت برای برجسته‌سازی کلامش و تأکید اشمئزاز و تنفرش از غاصبان خلافت صورت گرفته است.

۴. حضرت ﷺ در خطبه عیادت فرموده است:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف / ۹۶) «وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَبَأٌ مَّا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ». (زمر / ۵۱)

**کارکرد تفسیری:** حضرت در این فراز به دو آیه استشهاد می‌کند. آیه نخست بیانگر این سنت الهی است که اگر مردم جامعه‌ای اهل ایمان و تقوا شوند، خدا در همین دنیا از آسمان و زمین برکاتی را بر آنها نازل می‌کند، اما اگر جوامع بشری به جای ایمان و تقوا، راه تکذیب و عصیان را پیش گیرند، خدا آنان را

۱. سیاق مقامی (Situational Context) در تفسیر نص نقش تعیین‌کننده دارد. مراد از این نوع سیاق امور و شرایط زمانی و مکانی مرتبط با دلالت متن است. واژه و جملات زبانی در ارتباط با این شرایط، معنای خاصی را می‌رسانند و بدون توجه به این شرایط، دلالت آنها کامل نمی‌شود. (قائمی نیا، ۱۳۸۹: ۳۴۴ - ۳۴۳)

کیفر می‌نماید. حضرت به دلیل مناسبت میان وضعیت مردان مهاجر و انصار با این آیه، آن را تلاوت نمود از این‌رو با توجه به سیاقی که این آیه در آن اقتباس شده است به نظر می‌آید یکی از مصادیق بارز ایمان و تقوا داشتن، انتخاب رهبر و زعیمی شایسته برای جامعه است و صرف اینکه افراد مؤمن و متقی باشند اما رهبری فاسد و فاسق را برگزینند، برکات الهی برای اهل آن جامعه نازل نخواهد شد.

حضرت<sup>علیها السلام</sup> با چینش منطقی در پی این آیه، که بیانگر قاعده‌ای کلی است و حکم کبرای استدلال را دارد، به آیه‌ای دیگر استشهاد می‌فرماید که نقش صغرای استدلال را می‌یابد و بدین ترتیب، حکم افراد جامعه خویش را مشخص می‌کند؛ زیرا حضرت با اسم اشاره «هؤلاء» به جامعه خویش اشاره می‌کند؛ یعنی اگر این مردم نیز اهل ظلم باشند، به نتایج اعمال‌شان دچار خواهند شد و نمی‌توانند خدا را عاجز کنند تا دست از سنت‌های خود بردارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۲۶۸) اما در متن قرآن مقصود از «وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ»، کافران و مشرکان قوم پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> هستند (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۲۶۸؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۴ / ۱۱۰) می‌توان گفت حضرت<sup>علیها السلام</sup> در آیه دوم نیز مصداق بارزی از آیه را بیان داشته؛ یعنی مردان مهاجر و انصار را مصداق بارز «ظالمان» معرفی می‌نماید.

۵. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در خطبه عیادت در مقام توبیخ زنان مهاجر و انصار به دو آیه قرآن تصریح نموده است: «لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ» (حج / ۱۳) و «بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا». (کهف / ۵۰)

**کارکرد تفسیری:** حضرت<sup>علیها السلام</sup> با توجه به انفتاح دلالتی آیه ۱۳ سوره حج، یکی از مصادیق بارز یاور و هم‌نشین بد را، پذیرش زمامدار و رهبر فاسد می‌داند. همچنین در آیه دوم نیز یکی از مصادیق بارزی که ظالمان به جای حق برمی‌گزینند، پذیرش زمامداری دانسته که از جانب غیرخدا ادعا می‌کند؛ زیرا ظلم، نهادن چیزی در غیر جای ویژه خود است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۳۷۳)

## ۲. مصداق‌های اعلی

در تفسیر مصداقی قرآن، مواردی وجود دارد که از آن به مصداق اعلی تعبیر می‌شود؛ بدین معنا که تعبیر قرآنی که تاب معنای گسترده‌ای را دارد، بر یکی از مصادیق که برتر از بقیه است تطبیق می‌شود (فاکر میبیدی، ۱۳۹۳: ۳۲۳) به عبارتی دیگر، برخی از آیات قرآن، دارای مصادیق با مراتب مختلف‌اند، از این‌رو کامل‌ترین و عالی‌ترین مصداق آن آیه، مصداق اکمل آیه محسوب می‌شود (رضی بهابادی و علی‌بخشی، ۱۳۹۰: ۱۷) خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در برخی از استنادهای قرآنی، به‌گونه‌ای هستند که به یکی از کامل‌ترین مصادیق آیه اقتباس شده، اشاره می‌کند.

۱. حضرت<sup>علیها السلام</sup> در توصیف کمالات امام علی<sup>علیه السلام</sup> در خطبه فدک، فرموده است: «كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» (مائده / ۶۴) أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاعِزَّةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَدَفَ أَحَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا».

**کارکرد تفسیری:** سیاق کلام حضرت علیه السلام در رابطه با تبیین اوصاف امام علی علیه السلام است. اما سیاق متن قرآنی درباره جنگ افروزی یهودیان بر علیه اسلام و مسلمانان است، از این رو حضرت میان دو متن سازش استوار برقرار ساخته است.

«طفلاً»، فرونشستن زبانه آتش و خاموش شدن آن است و اشاره به نابود کردن کامل آتش دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۷ / ۱۰۰) مقصود از آیه این است هرگاه آتش جنگ را معاندین اسلام روشن می‌کردند، خدا به دست مردم فداکار و مؤمن، آن را خاموش می‌ساخت و شر آنها را دفع می‌نمود (منتظری، ۱۳۷۴: ۱۱۰) به خوبی ملاحظه می‌شود که فاعل فعل «طفلاً» مصادیق متعددی می‌تواند داشته باشد و شامل همه فداکاران صدر اسلام و اصحاب راستین پیامبر صلی الله علیه و آله شود ولی حضرت علیه السلام در این قسمت از کلامش، مصداق اعلی «كَلِمًا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» را، امام علی علیه السلام دانسته است. در حقیقت، کلام فاطمی با تجرید وقایع آیه از خصوصیات زمانی و مکانی، آن را بر امام علی علیه السلام تطبیق داده است.

۲. حضرت در ادامه اوصاف امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَاتِيْرٌ».

**کارکرد تفسیری:** این بخش از خطبه با آیه «... يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِيْرٍ...» (مائده / ۵۴) رابطه بینامتنی دارد که با اندکی تغییر در کلام حضرت حضور یافته است. حضرت علیه السلام پس از رهیافت به معنای عام آیه مصداق اعلی آیه را، امام علی علیه السلام دانسته است.

تبیین این مصداق مستند به روایتی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است که در ذیل روایتی تطبیق این آیه را امام علی علیه السلام و اصحابش دانسته‌اند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۳)

۳. حضرت علیه السلام در خطبه عیادت درباره امامت همسرش چنین فرموده است: «وَيُحِبُّهُمْ» «أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُنَجِّحَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ». (یونس / ۳۵)

**کارکرد تفسیری:** با توجه به سیاق کلام حضرت زهرا علیها السلام، وی حضرت علی علیه السلام را شخصیتی شایسته و لایق زمامداری و رهبری دانسته است، بدین ترتیب مقصود از «مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» امام علی علیه السلام است. بدیهی است که ائمه علیهم السلام بارزترین مصداق راه یافتگان به حق هستند نه مصداق منحصر.

برداشتی که از آیه مورد استشهاد حضرت زهرا علیها السلام صورت گرفت در روایات نیز آمده است اما این گونه استدلال نشده است بلکه انبیا و ائمه علیهم السلام را افراد اعلم هر زمان معرفی می‌کند که شایستگی زمامداری و رهبری جامعه را دارند. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۰۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۲۱)

### ۳. مصادیق پنهان

یکی از کاربردهای استنادهای قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام، بیان مصداق‌های پنهان آیه است، در این بخش به تبیین و بررسی آنها پرداخته می‌شود:



### یک. حکم جاهلی عدم ارث‌بری دختران

حضرت<sup>علیها السلام</sup> در محاکمه اهل سقیفه جهت دادخواهی از ارث خویش - فدک - فرموده است:

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»  
(مائده / ۵۰) أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟

**کارکرد تفسیری:** حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در این فراز به یکی از مخالفت‌های علنی اهل سقیفه با حکم خدا در قرآن و احیای رسوم جاهلیت؛ یعنی محرومیت دختران از میراث پدران اشاره فرموده است در حقیقت ایشان عمل خلیفه را عمل جاهلی می‌داند؛ زیرا در زمان جاهلیت، زنان و دختران ارث نمی‌بردند و ارث تنها به مردان و پسران اختصاص داشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۳۶؛ رفیعی، ۱۳۸۵: ۱۸۳) بنابراین، این آیه دریچه دلالتی جدیدی به سوی کلام حضرت<sup>علیها السلام</sup> گشوده است؛ زیرا انفتاح دلالتی آیه به گونه‌ای است که این معنا را برمی‌تابد که اگر کسی به ظاهر مدعی اسلام باشد، ولی قضا و داوری او مورد قبول اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> نباشد، داوری او جاهلانه است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۲ / ۶۱۸) سیاق متن قرآن این گونه است که پس از ریشه‌یابی اعتراض هواپرستان از فرمان‌های الهی، این آیه در مقام نتیجه‌گیری و بیان لوازم آن اعراض است با این بیان که چرا با پافشاری بر رسوم جاهلی از دین حق رو برمی‌گردانند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۳۵۶)

با توجه به سیاق کلام حضرت<sup>علیها السلام</sup>، به نظر می‌رسد حضرت در این فراز ارث نبردن خویش را مصداق حکم جاهلیت می‌داند. این مصداق از حکم جاهلی، امر چندان علنی نیست و اگر حضرت نمی‌فرمود، وصول به آن ممکن نبود. همچنین از منظر دیگر می‌توان گفت، حضرت در این کلامش توسعه در مصداق حکم جاهلی داده است. در حقیقت حکم جاهلیت تنها اختصاص به دوران پیش از اسلام ندارد، بلکه هرگاه مردم از خدا جدا شوند و داوریشان مورد قبول اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> نباشد، حکمشان جاهلی است.

### دو. ربودن خلافت، خسران آشکار

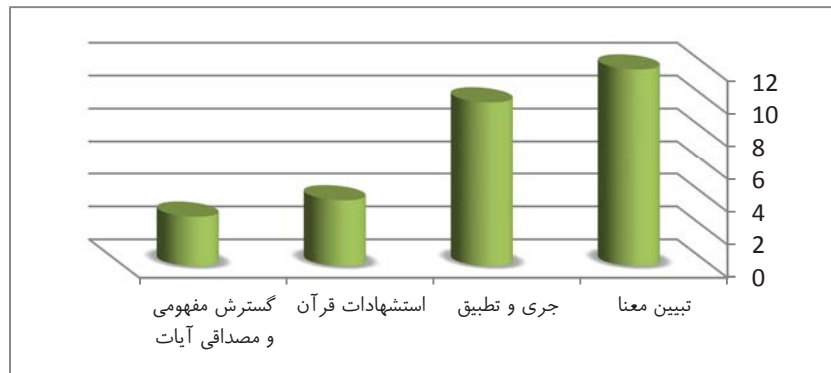
حضرت<sup>علیها السلام</sup> خطاب به زنان مهاجر و انصار فرموده است: وَيُحِبُّهُمْ أَنِي زَعَزَعُوها عَنْ رِوَايَةِ الرِّسَالَةِ... «أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ». (زمر / ۱۵)

**کارکرد تفسیری:** سیاق متن قرآنی درباره مشرکان مکه است که با پرستش بت‌ها به زبانی آشکار افتادند. مصداق آشکار آیه فوق آن است، هنگامی که انسان سرمایه ایمان را از دست می‌دهد دچار خسران آشکار می‌گردد اما حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> ربودن خلافت از دست اهل بیت پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را مصداق خسران آشکار می‌نامد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۲۵۳ - ۲۵۲) این مصداق از «خسران مبین» امر آشکاری نیست و حضرت<sup>علیها السلام</sup> با توجه به مناسبت و تشابه میان آیه و وضعیت غاصبان خلافت آیه را می‌آورد و مصداق پنهان آن را علنی می‌سازد؛ یعنی همان‌طور که مشرکان در عرصه قیامت متوجه خسران شان می‌شوند، اهل سقیفه نیز متوجه خواهند شد.

## نتیجه

استندهای قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، منبع مهمی در تفسیر قرآن محسوب می‌شود و از این طریق می‌توان دامنه تفسیر نقلی آن حضرت<sup>علیها السلام</sup> را توسعه بخشید و از کارکردهای تفسیری آنها در موارد مشابه بهره جست. بهره‌گیری حضرت<sup>علیها السلام</sup> از آیات گاه در جهت تبیین معنا، جری و تطبیق، گسترش مفهومی و مصداقی آیات و نیز استشهاد به آیات قرآن است.

بخش اعظم این گونه‌ها را تبیین معنا تشکیل می‌دهد که تعداد آنها ۱۲ مورد است؛ یعنی سخنانی که در طی آن، حضرت<sup>علیها السلام</sup> معنای ظاهری آیات و یا عبارتی را بیان کرده و یا عبارتی در قرآن به صورت مجمل و کلی بیان شده و حضرت<sup>علیها السلام</sup> آن را تبیین نموده است. ذکر تطبیق آیات، که به بیان مصادیق بارز، اعلی و پنهان آیات می‌پردازد و از حیث فراوانی در مرتبه بعد از تبیین معنا قرار دارد و تعدادش ۱۰ عدد است. این مصادیق در موضوع امامت امام علی<sup>علیه السلام</sup> و اوصاف آن حضرت، اهل سقیفه و نیز درباره برگزیدن رهبر و زعیم فاسد و فاسق است که خود ناشی از اوضاع و شرایط مدینه در عصر حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> است و حضرت با توجه به شرایط عصر خویش مصداق جدیدی از آیات را ارائه داده است که می‌تواند در شرایط مشابه آن نیز مورد تعمیم قرار گیرد. استشهادهای حضرت<sup>علیها السلام</sup> به قرآن نیز از دیگر گونه‌ها است که تعداد آن ۴ مورد است و در موضوع اعتقادی است تا در برخورد با اهل سقیفه و غاصبان خلافت بتواند آنان را اقناع سازد. کوچک‌ترین بخش، گسترش مفهومی و مصداقی آیات است که تعداد آن ۳ مورد است و در سه محور فتنه، کفر و افساد است.



نمودار انواع کارکردهای تفسیری خطبه‌های حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>

## منابع و مأخذ

## الف) کتابها

- قرآن کریم.

- آلن، گراهام، ۱۳۸۵، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۸۷ ق، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*، قم، علامه.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بی جا.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، مؤسسه البعثة.
- تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۱، *شرحی کوتاه بر خطبه حضرت زهرا علیها السلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن*، قم، اسراء.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- حسینی زنجانی، عزالدین، ۱۳۸۸، *حکمت فاطمی*، قم، بوستان کتاب.
- حسینی زنجانی، سید عزالدین، ۱۳۹۰، *شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام*، قم، بوستان کتاب.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم، ج ۲.
- رفیعی، رضا، ۱۳۸۵، *فاطمه سیده نساء العالمین*، قم، بوستان دانش.
- سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۸۸، *آشنایی با علوم قرآن*، قم، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۱، *روش های تأویل قرآن: معناشناسی و روش شناسی تأویل در سه حوزه روایی، باطنی و اصولی*، قم، بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *الإحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ج ۳.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، *کتاب التفسیر*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه.

- غلامی، مرجان، ۱۳۹۲، *پایان نامه گونه‌شناسی روایات امام جواد (ع) و امام هادی (ع) در تفسیر قرآن*، تهران، دانشگاه الزهراء (ع).

- فاخر میبدی، محمد، ۱۳۹۳، *مبانی تفسیر روایی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.

- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.

- فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر.

- قائمی‌نیا، علیرضا، ۱۳۸۹، *بیولوژی نص*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- قزوینی، محمد کاظم، ۱۳۸۶، *فاطمه زهرا (ع) از ولادت تا شهادت*، ترجمه حسین فریدونی، تهران، آفاق.

- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۳۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- \_\_\_\_\_، بی تا، *زندگانی حضرت زهرا (ع)*، ترجمه محمد روحانی علی آبادی، تهران، مهام.

- مدیرشانه‌چی، کاظم، ۱۳۸۸، *درایة الحدیث*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۸.

- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *رسانترین دادرخواهی و روشنگری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- مظفر، محمدرضا، ۱۳۷۰، *اصول الفقه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- مفتاح، محمد، ۲۰۰۵ م، *تحلیل الخطاب الشعری: استراتیجیة التناص*، بیروت، المرکز الثقافی العربی.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

- منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۴، *خطبه حضرت زهرا (ع)*، قم، دفتر مؤلف، چ ۲.

#### ب) مقاله‌ها

- رضی بهابادی، بی‌بی سادات و معصومه علی‌بخشی، ۱۳۹۰، «گونه‌شناسی گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم (ع)»، *حدیث پژوهی*، شماره ۶، ص ۳۰-۷، کاشان، دانشگاه کاشان.

- مختاری، قاسم و ابراهیم ابراهیمی، ۱۳۹۲، «بینامتنیت قرآنی و روایی در شعر دعبل خزاعی»، *اراک، پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، شماره ۱، ص ۷۶-۵۳، اراک، دانشگاه اراک.

- معارف، مجید، ۱۳۸۳، «اجمال و تبیین در روایات»، تهران، *مطالعات اسلامی*، شماره ۶۶-۶۵، ص ۲۵۰-۲۳۳، مشهد، دانشگاه فردوسی.

## نقد الرأى التفسيري للقرضاوى؛ تفسير آيات حرمة الغناء نموذجاً

محمدصادق يوسفى مقدم<sup>١</sup>

**الخلاصة:** الغناء من الموضوعات الفقهية التي أبدى الفقهاء المسلمون من جميع المذاهب الإسلامية رأيهم فيها علي مرّ التاريخ، وبحثوه من مختلف الأبعاد والجوانب. ورغم كلّ ذلك يُلاحظ أنهم قلما تناولوا هذا الموضوع في بحوثهم من وجهة نظر قرآنية. الشخص الوحيد الذي استند الي آيات القرآن الي حدّ ما، لإثبات وجهة نظره هو يوسف القرضاوى؛ حيث أفتي بحلّة الغناء من خلال تحليله لآيات القرآن. في هذا البحث من بعد القاء نظرة عامة علي رأى فقهاء الشيعة وأهل السنّة حول حكم الغناء، نتناول بالبحث والنقد رأى القرضاوى فيه، ونثبت من خلال رؤية قرآنية، الحرمة الذاتية للغناء، ونظراً الي أن حكم الحرمة الذاتية أو العرضية للغناء من المواضع الفقهية المهمة والمعقدة، فقد جري تبیین ما ورد بشأنه في النظرة الفقهية القرآنية وفي الروايات التفسيرية. **الألفاظ المفتاحية:** آيات الأحكام، التفسير الفقهى، الغناء، يوسف القرضاوى.

### الوظائف التفسيرية للإستنادات القرآنية في خطب السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام

فتحیه فتاحی زاده<sup>٢</sup> / بی بی سادات رضی بهابادی<sup>٣</sup> / فرشته معتمدلنگرودی<sup>٤</sup>

**الخلاصة:** من معالم كلام المعصومين الإستناد الي آيات القرآن الكريم. وقد استندت السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام في خطبها الي آيات القرآن وفقاً لما تقتضيه الحاجة وما يستدعيه المقام. مثل هذه الإستنادات القرآنية يمكن أن تُعدّ من أهم مصادر تفسير القرآن. تتمثل معظم وظيفة هذه العلاقات في توسيع نطاق التفسير النقلي. يتناول هذا البحث، الوظيفة أو الأداء التفسيري للإستنادات القرآنية في خطب السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام وحجمها ومدى كثرتها، وفيه ينصبّ التركيز علي الوظائف التفسيرية للإستنادات القرآنية للسيّدة الزهراء عليها السلام بدلاً من التركيز علي محتوي كلمات القرآن وخطب السيّدة فاطمة الزهراء عليها السلام. تكشف هذه الدراسة أن ما تناولته هذه السيّدة الجليلة عليها السلام من الآيات القرآنية جاء أحياناً في سياق تبیین المعني، والجرى والتطبيق، والتوسيع المفهومي والمصداقي للآيات، وكذلك الإستشهاد بآيات القرآن. في هذا المجال كان تبیین المعني، وذكر تطبيق الآيات، واستشهادات السيّدة فاطمة عليها السلام بالقرآن، والتوسيع المفهومي والمصداقي للآيات، أكثر الوظائف التفسيرية لهذه الإستنادات علي التوالي.

**الألفاظ المفتاحية:** الروايات التفسيرية، الوظائف التفسيرية، الخطبة الفدكية، تجلي القرآن في الروايات.

y.moqaddam@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٢٦

f\_fattahizade@alzahra.ac.ir

b.razi@alzahra.ac.ir

f\_motamad\_2011@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/٠٨

١. استاذ مشارك في المعهد العالی للعلوم والثقافة الإسلامية.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٩/١٥

٢. استاذة في جامعة الزهراء عليها السلام.

٣. استاذة مشاركة في جامعة الزهراء عليها السلام.

٤. طالبة دكتوراه في جامعة الزهراء عليها السلام (الكاتبة المسؤولة).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٥

## بداية نشأة العالم في تفسير الآيات وآخر معطيات علم الفلك

محمود كريمي<sup>١</sup> / سيد مهراي موسى<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** أشير في آيات متعددة من القرآن الكريم الي مسألة بداية خلق العالم، وتطرق فيها الي مسائل مثل ماهية وكيفية الوجود قبل الخلق، والي المواد الأولية التي تكوّن منها، وتوسيع السماوات. وبظهور نظريات جديدة في العلوم التجريبية، حاول منكرو الإسلام اثبات معارضة بعض العلوم التجريبية مع القضايا المطروحة في القرآن الكريم، بهدف إثارة الشكوك حول كَوْن القرآن وحياً منزلاً من عند الله. ومن هنا تكتسب معرفة رأى القرآن وتبينه الدقيق حول كيفية بداية خلق العالم أهمية في هذا المجال لكي يتسني في ضوئها تبين أن ما جاء في القرآن لا يتعارض مع العقل ولا مع معطيات العلوم التجريبية القطعية، بل أنه في موارد كثيرة يتطابق الي أبعد الحدود مع آخر ما توصل اليه علم الفلك. بل ويمكن في بعض الحالات طرح رأى القرآن الي جانب سائر النظريات العلمية المطروحة علي الساحة، كنظرية مستقلة ومتميزة. يرمى هذا البحث الذي بين أيديكم، في سياق بيانه لآخر معطيات علم الفلك حول نشأة الوجود، يرمى الي دراسة أهم أقوال المفسرين والمفكرين في الآيات المتعلقة بهذا المجال. ومن بعد بيان الرأى المختار، يأتي علي ذكر ما تصف به من أوجه شبه واختلاف مع ما جاء في نظرية القرآن الكريم.

**الألفاظ المفتاحية:** الآيات العلمية، آيات الخلق، نشأة العالم، القرآن الكريم.

### بحث تفسيري في حليّة نكاح نساء أهل الكتاب

#### (دراسة مقارنة للآية ٥ من سورة المائدة في رأى مفسري الفريقين)

محمدهادي مفتاح<sup>٣</sup> / سجاد محمدنام<sup>٤</sup>

**الخلاصة:** طرّح موضوع زواج المسلمين من غير المسلمين في آيات مختلفة مثل: النور / ٣، والبقرة / ٢٢١، والمنتحة / ١٠. كذلك بين القرآن الكريم في الآية ٥ من سورة المائدة بحث نكاح المسلمين من أهل الكتاب. طرح مفسرو الفريقين في ذيل هذه الآية الشريفة، آراء مختلفة يمكن تبويبها في أربعة أقسام؛ قسم يحرم كلياً زواج المسلمين بأهل الكتاب؛ والقسم الثاني يقول بجوازه كلياً، والقسم الثالث يقول بجوازه بشكل محدود؛ وهذا القسم الأخير يُقسم الي قسمين. في هذا البحث نشرح هذه الأقوال بالتفصيل مع بيان لأدلة كلّ واحد منها. ثم نجرى عملية تحليل ونقد لها. وفي الختام يكون الترجيح والتأييد للقول بجواز نكاح أهل الكتاب.

**الألفاظ المفتاحية:** الآية ٥ من سورة المائدة، الآيات الفقهية، الزواج مع أهل الكتاب، التفسير المقارن.

karimii@isu.ac.ir

meh.mousavi@isu.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٣/٠٦

mhmofateh@yahoo.com

smn1366@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

١. استاذ مشارك في جامعة الإمام الصادق عليه السلام.

٢. طالب ماجستير في جامعة الإمام الصادق عليه السلام (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٩/١٠

٣. استاذ مشارك في جامعة قم.

٤. طالب دكتوراه جامعة قم (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٣١

## دراسة تفسيرية لآيات انحصار وشمول علم الغيب عند الأنبياء

عصمت نيري<sup>١</sup> / محمد ابراهيم ايزدخواه<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** الرسول والإمام أصفياء الله تبارك وتعالى ولا بد أن تتوفر فيهم صفات خاصة كالعصمة والعلم. في القرآن الكريم، مجموعتان من الآيات حول علم الغيب؛ قسم منها يدل علي انحصار علم الغيب بالله وحده، وقسم آخر منها دالّ علي شمول هذا العلم الي غير الله. يظهر لنا من خلال دراسة هذه الآيات أنه لا تعارض بين الآيات الدالة علي انحصار علم الغيب بالله وبين تلك الدالة علي شمول علم الغيب لغير الله، بحيث أن الآيات الدالة علي الشمول تبين اجمالاً أن الأنبياء لديهم علم بالغيب، وتخبر عن علم النبي بالغيب. هذه الآيات بشكل عام تنسب اليهم العلم بالغيب أو تثبت لهم العلم بالغيب في موارد معينة. نفى الآيات الدالة علي نفى علم الغيب عن غير الله، ليست مطلقة، بل تنفي علم الغيب الذاتي وما يكون باستقلال عن غير الله، فمن المؤكد أن علم الغيب الذاتي يختص بالله وحده. هذا النفي لعلم الغيب، لا يتعارض مع العلم بحقائق العالم، باذن الله وافاضة الحق علي الأنبياء والأئمة.

**الألفاظ المفتاحية:** آيات علم الغيب، انحصار علم الغيب، شمول علم الغيب، علم الأنبياء.

## القائل وتناسب آيات «أني لم أكنه بالغيب... وما أبرئ نفسي...» في تفاسير الإمامية

علي راد<sup>٣</sup>

**الخلاصة:** تشير الآيتان ٥٢ و ٥٣ من سورة يوسف الي دفاع أحد طرفي النزاع في قضية مرادة يوسف عليه السلام. المدافع القائل «بنفي حصول الخيانة في الغيب»، و«ميل النفس الأمانة الي سوء»، يؤكد توجيه براءته من قضية الشهوة. من الواضح من هو المدافع هنا وما التناسب بين هذين الشطرين من الدفاع. يتولّى هذا البحث إعادة بحث وتقييم الاتجاه الذي سلكته تفاسير الإمامية في تعيين القائل ومدى التناسب بين هذين المقطعين من الدفاع. تشير نتائج البحث الي أن بعض مفسري الإمامية من القدماء والمعاصرين، يذهبون الي القول إن زليخا هي القائلة لهذا الكلام، وإن الآية الثانية هي توجيه لعدم وقوع عمل القبيح مع يوسف عليه السلام. وأما الإتجاه الثاني فيري أن يوسف عليه السلام هو القائل لهذه الآيات، وأن الآية الثانية دليل علي تخلصه من شرك لذة زليخا. يتعاطي هذا البحث مع الإتجاه الأول بالتحليل النقدي، ويأخذ علي عاتقه إكمال أدلة الإتجاه الثاني، ويقترح اتخاذه كنظرية معيارية للإمامية في تفسير هذه الآيات.

**الألفاظ المفتاحية:** الآيتان ٥٢ و ٥٣ من سورة يوسف، قائل الآيات، تناسب الآيات، تفسير الإمامية.

nayyeri100@gmail.com

dr.izadkhah@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٢/١٠

ali.rad@ut.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٠٦

١. طالب دكتوراه في تدريس المعارف الإسلامية، جامعة فردوسي (الكاتب المسؤول).

٢. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية في جامعة قم.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٦/١٦

٣. استاذ مشارك في جامعة طهران.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٤

## نطاق مفهوم «الجهاد بمثابة القتال» في فكر سيد قطب والعلامة الطباطبائي

يوسف نجفي<sup>١</sup> / حمزه علي بهرامي<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** ابلاغ الوحي والدعوة الي قبولها، هما المحوران الأساسيان لوظيفة الأنبياء. في ما يتعلق بتمسك الأنبياء بالجهاد في سياق أداء مهامهم، هناك مجموعتان من الآيات؛ مجموعة تدعو الي القتال والجهاد الإبتدائي، ومجموعة اخري توصي بعدم الإكراه وقبول الدين من قبل الآخر. وقد قدم المفسرون إجابات شتّى في سياق سعيهم لحل التعارض بين آيات الجهاد. يرمى هذا البحث الي طرح وصف، وتبيين، وتحليل ناقد لآراء مفسرين معاصرين؛ هما: سيد قطب والعلامة محمد حسين الطباطبائي في هذا المجال. النتيجة التي انتهي اليها هذا البحث هي أن سيد قطب يأخذ بنظرية مرحلية الآيات، في محاولة لحلّ هذا التهافت الظاهري، ويعتبر الجهاد نوعاً من الكفاح الثوري بهدف اسقاط النظم البشرية واقامة حكم الله في الأرض، وهذا ما جعله يعتقد بفكرة الجهاد الإبتدائي؛ في حين يذهب العلامة الطباطبائي الي الاعتقاد بعدم الإكراه في الدين، فيري أن آيات الجهاد من محكمات القرآن، وينطلق من هذه الرؤية لحلّ هذا التعارض.

**الألفاظ المفتاحية:** آيات الجهاد، الجهاد الدفاعي، الجهاد الإبتدائي، سيد قطب، العلامة الطباطبائي.

## دراسة لتكرار معني الآيات في رأى المفسرين

محمد رضا حاجي اسماعيلي<sup>٣</sup> / هادي سليمي<sup>٤</sup>

**الخلاصة:** يوصف القرآن بأنه كتاب فصاحة لا يُضاهي ولا نظير له في الصياغة الأدبية الرائعة والفذة. وعلي هذا الأساس فالقرآن يخلو من معاييب الكلام ومن مواطن الضعف والخلل مثل: «الحشو المتوسط والقبیح» وهو ما يُسمّي في البلاغة بالحشو المذموم. ومع هذا توجد في قسم من آيات القرآن الكريم وعباراته صياغات تبدو في النظرة الظاهرية - علي الرغم من التفاوت في الألفاظ - أنه تكرار غير مُجدٍ للأمور السابقة ويمثّل مصداقاً للحشو المذموم. هدف هذا البحث هو دراسة مثل هذه الموارد من التكرار في معاني آيات القرآن، مما يوهم بوجود كلمات اضافية في الجُمْل، وهي. يُحاول هذا البحث - علي أساس رأى المفسرين - تبيين المكانة الدلالية لهذه المجموعة من المكررات غير اللفظية الموهمة بالحشو المذموم في صياغة آيات القرآن، ويوضّح للقارئ أن لا حشو في آيات الوحي القرآني، وأن مقاطع الآيات الموهمة للحشو قد جاءت في موضعها المناسب، وأن ما جاء من تكرار في المعاني، له فوائد بلاغية مثل التوكيد، والتبيين، والتكثير، والمبالغة. وهذا يدخل في باب الصنائع الأدبية ويزيد من جاذبية الكلام.

**الألفاظ المفتاحية:** التفسير الأدبي، التكرار المعنوي، الحشو المذموم، بلاغة القرآن.

irannajafi17@yahoo.com

bahrame1918@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

m.hajis1@yahoo.com

hquran821@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

١. خريج مرحلة الدكتوراه من جامعة اصفهان.

٢. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية في جامعة اصفهان.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٣١

٣. استاذ مشارك في جامعة اصفهان.

٤. طالب دكتوراه، جامعة اصفهان (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٦/١٥



## الأيام الأخيرة من التاريخ في الآية ٥٥ سورة النور في رأى المفسرين

رضا مهديان فر<sup>١</sup>

**الخلاصة:** وعد الله سبحانه وتعالى المؤمنين في الآية ٥٥ من سورة النور، أن يستخلفهم في كل الأرض، ويمكن لهم الدين الذي يرضيه لهم، ويبدل خوفهم أمناً. وأن المؤمنين الذين يعملون الصالحات يبنون مجتمع التوحيد الخالي من الشرك. قال مفسرو الشيعة في تفسير الوعد المذكور بوجود رأيين في هذا المجال؛ أحدهما انحصار تحقق هذا الوعد بعصر الظهور ونهاية التاريخ، والآخر يتجسد في تحقيق هذا الوعد بمصاديق متعددة ابتداءً من عصر النزول الي عصر الظهور. يمكن تبديد الإختلاف الضئيل الذي يكتنف رأى مفسرى الشيعة في تعيين مصداق الآية، من خلال تسليط الضوء علي معني الإستخلاف، والتوصل الي رأى واحد وهو انحصار تحقيق الوعد في عصر الظهور. وعلي الرغم من تعدد آراء مفسرى أهل السنّة في هذا المجال، فقد أشار بعضهم تصريحاً وبعضهم الآخر تلويحاً الي تحقيق هذا الوعد في عصر الظهور. وانطلاقاً من ذلك وطبقاً لآراء مفسرى الفريقين، فإن هذه الآية تعد المؤمنين بمجتمع خاص في الأيام الأخيرة من التاريخ، يتحقق بظهور المهدي الموعود.

**الألفاظ المفتاحية:** آيات المهديوية، الآية ٥٥ من سورة النور، مستقبل البشرية، المجتمع المهدي.

## تحليل لأبعاد امتحان بنى اسرائيل في زمان غيبة النبي موسى ﷺ من منظار القرآن

حميد نادري<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** سنّة الإبتلاء من السنن الإلهية الشاملة. وقد جرت هذه السنّة علي بنى اسرائيل في زمان غيبة النبي موسى. يتجلي لنا من خلال التحليل القرآني لهذا الموضوع أن قلة ايمان بنى اسرائيل، ووجود اشخاص مفسد بينهم، وتأثير ثقافة أهالي مصر فيهم، كانت تستدعي توفير أرضية عن طريق سنّة الإبتلاء، بالإضافة الي الفرز بين المؤمنين المخلصين وبين المنافقين والمفسدين، وإزالة الرواسب الثقافية لأهالي مصر من أذهان بنى اسرائيل. وقد وقع هذا الإبتلاء بتمديد ميقات النبي موسى من ثلاثين ليلة الي أربعين ليلة، وظهور عجل مصنوع من الذهب علي يد السامري. في خضمّ هذا الإبتلاء وقع بنو اسرائيل في الإنحراف وصاروا يعبدون العجل بسبب عوامل مثل التسرع، وعدم الالتفات الي ارشاد العقل، وضعف هارون واعتزله عنهم. وهذا الإنحراف يسترعى الإهتمام من حيث طبيعته، وكميته، وزمان وقوعه. ومع كل ذلك فقد أدت إجراءات النبي موسى وتوبة بنى اسرائيل، الي حصول نتائج ايجابية من هذا الإبتلاء.

**الألفاظ المفتاحية:** سنّة الإبتلاء، بنو اسرائيل، امتحان بنى اسرائيل، غيبة النبي موسى ﷺ.

rezamahtab52@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/١١/١٠

hamid\_nadery1@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٣/١٢/١٩

١. استاذ مساعد في جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠٣/٠٨

٢. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية في جامعة شهر كرد.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٣/٠٣/١٠

## ماهية الإمامة في القرآن حسب رأي مفسري أهل السنة في ذيل آية الإبتلاء

خديجة حسين زاده<sup>١</sup> / حسن صادقي<sup>٢</sup>

**الخلاصة:** مسألة الإمامة بشّتي توجهاتها لها في تاريخ الفكر الإسلامي مكانة متميزة. وقد خصص الباري تعالي آيات من القرآن الكريم لهذا الأمر المهم. وقد طرح مفسرو الفريقين في ذيل هذه الآيات آراء شّتي في مجال بيان حقيقة الإمامة. نظراً الي عدم تبيين رأي مفسري أهل السنة، يتكفل هذا البحث بدراسة رأيهم في هذا المجال؛ حيث يمكن من خلال دراسة آراء مفسري أهل السنة أن نفهم هل هم اکتفوا في تبيين ماهية الإمامة؟ أم أخذوا ببيان المعني اللغوي للاسوة والمقصود؟ أم اعتبروا المراد من الإمامة هو النبوة. النتيجة الكلية لهذا البحث هي أن جماعة من مفسري أهل السنة قالوا بعدم استقلال مقام الإمامة عن النبوة. ومثل هذا التفسير للآية لا يستند الي دليل، ولا يتطابق مع ظاهر الآية وهو متأثر بمبانيهم الكلامية في باب الإمامة.

**الألفاظ المفتاحية:** آية الإبتلاء، التفسير الكلامي، حقيقة الإمامة، الأسوة الحسنة.

## دراسة لآيات غلبة الحقّ علي الباطل من منظار العلامة الطباطبائي

جواد سليمانی<sup>٣</sup>

**الخلاصة:** من السنن الإلهية العامة التي تجرى علي امتداد التاريخ وعلي جميع المجتمعات، سنّة الصراع بين الحق والباطل. علي أساس آيات القرآن الكريم مثل: الآية ١٨ من سورة الأنبياء، والآية ٨١ من سورة الاسراء، والآية ١٧ من سورة الرعد، والآيتين ٤٨ و ٤٩ من سورة سبأ، فإن الحق والباطل في حالة صراع دائم، وسينتهي هذا الصراع بغلبة الحق علي الباطل. وقد طرح المفسرون آراءً حول طبيعة المجالات التي يتغلّب فيها الحقّ علي الباطل والهيمنة السياسية، والعسكرية، والإقتصادية في الحدّ لأهل الباطل في مختلف المجتمعات، طُرحت آراء من قبل المفسرين؛ وقد انقسموا في تفسيرهم للآيات المذكورة الي طوائف و فرق؛ قسم منهم حاول من خلال تقييد معني الحق والباطل في الآيات ذات العلاقة بهذا الموضوع، حاول حصر نطاق غلبة الحقّ علي الباطل في مجالات معينة مثل: الحجّة، الإيمان، أو سلوك الحقّ والباطل، بينما يري العلامة الطباطبائي أن هذه الغلبة تجرى في جميع الميادين الظاهرية والباطنية للحياة الإجتماعية لبني الإنسان. نتقّصي في هذا البحث مفهوم ومجال غلبة الحقّ علي الباطل، ثم نتناول أخيراً تفاسير غلبة الحق من منظار تفسير الميزان.

**الألفاظ المفتاحية:** الآية ١٨ من سورة الأنبياء، الآية ٨١ من سورة الاسراء، الآية ١٧ من سورة الرعد، غلبة الحق علي الباطل، تفسير الميزان.

musavi6290@gmail.com

sadgeg114@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

soleimani@qabas.net

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٥/١٨

١. طالبة في المرحلة الرابعة، جامعه الزهراء عليها السلام. (الكاتبة المسؤولة).

٢. محاضر في جامعة الزهراء عليها السلام.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٢٩

٣. استاذ مساعد في مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحوث.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٦